

روضه ممتازالزمانی معروف به تاج محل

که در حال حاضر یکی از عجایب جهان محسوب می‌شود

درباره این بنای تاریخی در «لغت‌نامه دهخدا»^۱ و همچنین در «فرهنگ معین»^۲ چنین قید گردیده است:

«شاهجهان بیادگار زن خویش ملکه نور جهان یا نور محل که به هنگام وضع حمل درگذشت، بنا کرد...».

امر واقعی این است که مهرالنسا دختر غیاث‌الدین تهرانی پس از کشته شدن شوهرش شیر افکن خان^۳ به سال ۱۰۱۹ ق/ ۱۶۱۰ م. در حباله نکاح نورالدین جهانگیر شاه^۴ آمد که از وی اول لقب نور محل و بعداً نور جهان یافت. وی همسر دومین جهانگیر شاه و مادر ناتنی شاهزاده سلطان خرم^۵ بود که پس از جلوس بر تخت سلطنت لقب شاهجهان [۱۰۳۷ ق/ ۱۶۲۸ م - ۱۰۶۸ ق/ ۱۶۵۱ م.] اختیار نمود.

سلطان خرم در دوران شاهزادگی به اشاره پدرش سه زن را به عنوان همسر گرفت. میان آنها اولین همین ممتازالزمانی بود که نام اصلیش ارجمند بانو و دختر میرزا ابوالحسن ملقب به آصف خان [برادر نورجهان] فرزند دستور اعظم [نخست وزیر] میرزا غیاث بیگ ملقب به اعتمادالدوله بود و لذا مهرالنسا همسر جهانگیر، عمه ارجمند بانو است. مراسم نامزدی وی روز پنجشنبه شانزدهم فروردین ماه مطابق با هفتم ماه

۱. جلد ۱۶ صفحه ۹۹ ستون سوم از دست راست به چپ، چاپ آذرماه سال ۱۳۳۵ شمسی.

۲. جلد پنجم [اعلام] صفحه ۳۶۹ ستون دوم از راست به چپ.

۳. سال ۱۰۱۵ ق/ ۱۶۰۷ م.

۴. ۱۰۱۴ ق/ ۱۶۰۵ م - ۱۰۳۷ ق/ ۱۶۲۷ م.

۵. متولد به سال ۱۰۰۰ ق/ ۱۵۹۳ م.

ذی‌حجّه سال هزار و پانزده هجری قمری وقتی که سنش چهارده سال و چهار ماه و بیست روز قمری بود با سلطان خرّم که در آن وقت سنش شانزده سال بود، انجام یافت و بعد از پنج سال و یک ماه و پنج روز وقتی که سن شاهزاده خرّم بیست سال و یک ماه و هشت روز شمسی [بیست سال یازده ماه و بیست و یک روز قمری] و سن ارجمند بانو نوزده سال و بیست و یک روز شمسی [نوزده سال و هفت ماه و بیست و پنج روز قمری] بود مراسم زناشویی طبق شریعت غرّا دین مبین اسلام انعقاد یافت.

شاهزاده خرّم غیر از ممتازالزمانی دو همسر دیگر هم داشت. یکی از آنها صبیّه دختر مظفر حسین صفوی بود. مراسم زناشویی با وی در ماه رجب مطابق هفدهم ماه آبان سال ۱۰۱۹ وقتی که شاهزاده نامبرده بیست ساله بود انجام یافت. از وی دختری به نام پر هنر بانو متولّد شد که در سن و سال از همه فرزندان که از بطن ارجمند بانو به دنیا آمدند بزرگ‌تر بود و تا دم واپسین شاهجهان خدمتگزاری پدرش می‌کرد.

دومین همسرش دختر شاهنواز خان بود که در ماه رمضان سال ۱۰۲۶ هجری قمری مراسم ازدواج با وی برپا گردید ولی با وجود این همه سوگلی‌اش همان اولین همسرش بود.

این هم شاید به علّت اینکه پدرش آصف خان در رساندن شاهزاده خرّم به تخت سلطنت نقش فوق‌العاده مهمّی ایفا کرد و در این مورد محبّت دخترش نسبت به الفت و علاقمندی به خواهرش نور جهان در آصف خان برتری گرفت و یا اینکه از بطن همین همسر ولیعهدش شاهزاده داراشکوه متولّد شد که برایش بسیار آرزومند بود.

میان گورکانیان بابری هند از پیشینیان رسم چنان بود که به هر خانمی ولو همسر پادشاه، بیگم و بانوی حرم‌سرای خلافت یا پرستار شاهزاده‌ها و شاهزاده خانم‌ها خطاب‌های خاص اختصاص می‌بخشیدند.^۱ طبق این اصل ارجمند بانو پس از ازدواج با سلطان خرّم لقب ممتازالزمانی و ممتاز محل^۲ یافت.

۱. عمل صالح الموسوم به شاهجهان‌نامه، جلد اول، مجلس ترقی ادب لاهور سال ۱۹۷۶ میلادی، ص ۹.

۲. در هند واژه محل به معنی کاخ به کار می‌رود.

از بطن ممتازالزمانی چهارده فرزند متولد شدند که میان آنها چهار پسر و سه دختر زنده ماندند و وقت آخرین وضع حمل از روز سه‌شنبه تا نیمه شب چهارشنبه هفدهم ذی‌القعدة سنه هزار و چهل هجری قمری مطابق بیست و ششم خرداد زحمت درد زایمان می‌کشید و پس از تولد دخترش چنان حالش تغییر یافت که منجر به رحلتش گردید. درباره آن سانحه صاحب عمل چنین می‌نویسد:

”... نزدیک شدن وقت وضع حمل از روز سه‌شنبه تا نیمه شب چهارشنبه عسر ولادت کشیده به مجرد تولد صبیّه بر آن بانوی خجسته سرشت تغییر یافته ضعف به مرتبه کمال استیلا یافت و رفته رفته آثار رحلت به میان آمده فی‌الحال به وساطت بادشاهزاده جهان و جهانیان پناه بیگم صاحب [جهان‌آرا بیگم] در خواه تشریف اعلیٰ حضرت نمود. آنحضرت به مجرد استماع این خبر ملالت اثر بی‌اختیار از جا درآمده به کمال اضطراب و بیتابی به بالین همدم و همراز دیرینه خود رسیده از دیدار آخرین و ملاقات واپسین ذخیره مدت دوری اندوخته و آن ملکه والا نژاد با دلی درد آگین و خاطر حسرت‌گزین گریان گریان مراسم وصیت و وداع به جا آورده تا دم آخر در خواه مهربانی و عنایت در حق شاهزاده‌ها و مراعات جانب والدین خود نمود و سه گهری [هر گهری برابر ۲۴ دقیقه] از شب مذکور مانده دعوت داعی ارجعی به گوش تسلیم و رضا نیوشیده به رحمت حق پیوست“^۱.

بی‌بدل خان تاریخ رحلتش را چنین یافت:

جای ممتاز محل جنت باد [۱۰۴۰ قمری]^۲

در اینجا باید این نکته را اضافه نمود که از قول صاحب عمل صالح بر نمی‌آید که وی درباره گرفتن همسر تازه‌ای چیزی به شوهرش گفته باشد، زیرا می‌دانست وی قبلاً دو هوو داشت. همچنین برای ساختن بنایی روی قبرش دستوری نداد. چنانکه از نوشته لغت‌نامه دهخدا برمی‌آید که اصل عبارت این است: ...وی از شوهرش درخواست که

۱. عمل صالح الموسوم به شاهجهان‌نامه، جلد اول، ص ۳۷۲.

۲. همان، ص ۳۷۵.

پس از وی زنی نگیرد و برای او مقبره‌ای بسازد که بدان نام وی جاوید بماند...^۱ این همه ساخته و پرداختهٔ کسانی است که راهنمای گردشگران آرامگاه تاج محل نامیده می‌شوند و جهانگردان خارجی را با این نوع سخنان مزخرف گمراه می‌کنند. مرگ ممتاز محل در جنوب هند نزدیک شهر برهانپور در جایی روی داد که به «جای موت» نامیده شد و پس از مرور زمان به صورت جامود [Jamod] به زبان مردم آن محل رایج گردید.

پس از گذشت شش ماه از این سانحه شاهجهان، شاه شجاع دومین پسرش را برای انتقال جنازهٔ وی به اکبرآباد که در آن زمان پایتخت دولت گورکانیان بابر هند بود، مامور ساخت و در آن شهر کنار رود جون [Jon] که در حال حاضر به اسم جمنا معروف است در صحن کاخی موقتاً به خاک سپردند که متعلق به راجه مان سنگ بود و در عوض آن کاخی بهتر در اختیار نبیره‌اش راجه جی سنگ گذاشته شد و در همان محل بنای آرامگاه ممتازالزمانی و ممتاز محل را نهادند که پس از مرور زمان به اسم «تاج محل» زبان زد عام و خاص گردید که درباره‌اش محمد صالح کنبو صاحب شاهجهان‌نامه چنین می‌نویسد:

”...آنگاه در آن سرزمین فیض آیین آسمان اساس روضهٔ عالی بنیان که به متانت رفعت و علو قدر و عظمت شأن آبروی عالم خاک است سراسر از الواح سنگ مرمر طرح انداخته بر دورش باغی دلنشین فردوس نشان ترتیب دادند و بر یک جانبش مسجدی رفیع بنیاد و جانب دیگر قرینهٔ آن مهمانخانهٔ عالی فضا و اطرافش حجره‌ها و ایوانهای دلگشا و پیش دروازه‌اش چندین چوک [Chok میدان] نوآیین و سراهای فرح افزا که به فسحت ساحت و ندرت هیئت بر روی زمین مثل و قرین ندارد، بنیاد پذیرفته در مدت بیست سال تمام آن عمارت که بنیادش زمین را طبقه‌ای است هشتمین و کلاهی آسمان را طارم دهمین به صرف پنجاه لک [یک لک برابر صد هزار] رویه

۱. لغت‌نامه، صفحه ۹۹ ستون سوم از دست راست به چپ.

به اتمام رسیده به نهایت بلندی قدر و منزلت و ارجمندی زیب و زینت آبروی کهن طارم چرخ کیود گردید^۱.

شاهجهان «روز پنجشنبه غره ذی قعدة سال هزار و پنجاه و دوم هجری موافق سوم بهمن ماه مراسم انجمن وزن^۲ جشن شمسی آغاز سال پنجاه و دوم به خیریت و مبارکی شروع شده»^۳ و به تاریخ «هفدهم عرس^۴ حضرت ممتازالزمانی در روضه منوره آن قدسیه صفات که درینولا صورت اتمام یافته فرخنده محفلی به حضور فضلا و صلحا آرایش پذیر شد. بندگان حضرت خود به دولت نیز آن انجمن را از نور حضور متبرک ساختند و به دعا و فاتحه ماده ترویج روح آن عصمت نقاب در ریاض جمان آماده نمودند^۵.

شاهجهان به تاریخ هفتم ذی الحجه سال ۱۰۶۷ قمری دچار مرض حبس بول گردید. چون در مرض تا اندازه ای افاقه یافت، جشن تولد آغاز سال شصت و نهم به روز دوشنبه بیست و چهارم ربیع الاول مطابق دهم بهمن ماه سال ۱۰۶۸ برگزار گردید ولی پس از آن به علت واقع شدن هرج و مرج در امور دولتی و افتادن هر چهار پسرش به جان یکدیگر برای گرفتن تخت سلطنت و چیرگی یافتن شاهزاده اورنگ زیب بر همه و زندانی کردن پدرش در قلعه اکبرآباد، شاهجهان تا دم مرگ در حالت اسیری به سر برد و شب دوشنبه بیست و ششم ماه رجب سال هزار هفتاد و شش قمری به سن هفتاد و شش سالگی جان به جان آفرین سپرد و در همان روضه پهلوی قبر

۱. عمل صالح الموسوم به شاهجهان نامه، جلد اول، ص ۳۷۶.

۲. گورکانیان بابری هند در پیروی سنت فرمانروایان این کشور به مناسبت روز تولد پسر طبق سال شمسی و همچنین سال قمری جشن می گرفتند و برای کسی که جشن گرفته می شد وی را در یک کفه ترازو نشاندند در دیگری طلا و نقره و فلزات دیگر و حبوبات گذاشته برابر وی وزن می کردند و غیر از فلزات تمام اجناس دیگر را میان بی نوایان پخش می کردند و برابر بهای فلزات پول نقد در اختیارشان گذاشته می شد.

۳. عمل صالح، ج ۲، ص ۳۱۵.

۴. در هند رسم چنان است روزی که یکی از روحانیان مسلمان رحلت می نماید عقیدتمندانش هر سال به مناسبت روز رحلتش مراسمی برپا می کنند.

۵. عمل صالح، ج ۲، ص ۳۱۵.

همسرش مدفون گردید.

هر بذری، تخمی و هسته‌ای که از خاکی به خاک دگر برده در آنجا کاشته شود اگر ریشه گرفت و رشد کرد میوه و ثمره‌اش از حالت اصلیش مختلف و جداگانه است. طبق این اصل معماران چابکدست و طراحان دقیق نظر از آرامگاه الجایتو واقع در سلطانیه مایه و توشه و الهام گرفته نقشه‌اش را از خاک سرد سیری آن منطقه به منطقه گرم مرطوب شهر اکبرآباد [شهر آگره فعلی] انتقال دادند و شرایط جوی را در نظر گرفته در طرح آن تغییری نمودند و در نتیجه دختر از مادرش زیباتر درآمد یعنی تاج محل به مراتب زیباتر از گنبد سلطانیه گردید.

صرف نظر از بی‌علاقگی و کم‌لطفی انگلیسی‌ها و عاطفت و علاقمندی برخی دیگر از آنها موضوعی است که تاکنون درباره آن مقالات و رساله‌ها کتاب‌ها به زبان فارسی و زبان‌های اروپایی نوشته شده‌است، در میان آنها تاکنون کتابی که به منصفه شهود رسیده اثر پُرازش خانم عبّه کنخ^۱ دانشمند محقق اطریشی و متخصص هنر اسلامی است و این کتاب تحت عنوان تاج محل^۲ به زبان انگلیسی نوشته که از همه جهت کتابی کامل، مفصل و دارای عکس‌های رنگی می‌باشد.

پس از استقلال هند این بنای تاریخی توجه جهانگردان خارجی را بیش از پیش به طرف خود جلب نموده و در حال حاضر یکی از غنی‌ترین منابع ارز خارجی برای دولت هند محسوب می‌شود.

1. Ebba Koch.

2. The Complete TAJ MAHAL.